

گنجینه

خرداد ماه ۹۳ - اهواز

انجمن خوزستان

قصد است

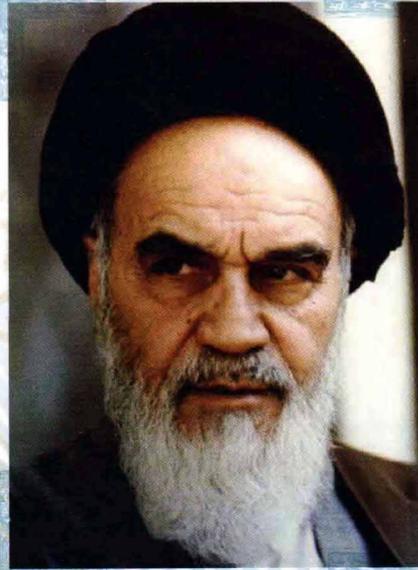
شهادت

گنجینه

آرزوی



صاحب امتیاز:
استانداری خوزستان
مدیر مسئول:
جمال درویش
مدیر اجرائی:
هومن خورشید
طراحی جلد:
فرزاد موسوی
گرافیک و صفحه آرایی:
عادل اعطا
مدیر تولید و تهیه کننده:
ایناس عبدالخانی
گرد آورنده:
محمد رضا قریشی، زینب پارسا فخر، بهنام محمد پور



بخشی از نخستین سخنرانی امام در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی

شد همان اجزای خود مجلس بفهمند، این سرباز است و رادیو و تلویزیون این را منتشر می‌کند، همه ایران می‌بینند و می‌شنوند، و خارج از ایران هم تا آنجایی که موج اینها می‌رود، آنها هم می‌شنوند و می‌فهمند که چه شده است. اگر بنا باشد که خدای نخواستہ از اول صف آراییی بشود برای جنگ اعصاب، و آن مجالسی که در زمان طاغوت بود، آن مجالس، باز محتوایش تکرار بشود، این مجلس اسلامی نیست، و آقایان به وظیفه شرعی و الهی خودشان عمل نکرده‌اند. من امیدوارم که آقایان بدون اینکه جهات نفیست را در نظر

مجلس شورای اسلامی که شما آقایان وکیل هستید از طرف ملت برای خدمت در آن بنگاه، باید آنکه دلخواه ملت است در آنجا طرح بشود. و آنچه دلخواه اسلام است بحث و مشورت بشود. و به ترتیبی که مقرر است تصویب بشود و همه چیزش اسلامی باشد. اغراض شخصیه را باید همه ما کنار بگذاریم. فرضا که من با شما خدای نخواستہ، یک حساد، و خرده دارم، این در مجلس نباید، در مجلسی که مجلس اسلامی است نباید این خرده حسابها را آنجا به آن رسید. مجلس شورای اسلامی در یک محفظه سربسته نیست که اگر خدای نخواستہ انحرافی در آن پیدا

خودش هم هست. اگر رئیس دولت؛ رئیس جمهور تضعیف کند مجلس را، خودش قبل از مجلس سقوط می‌کند. و اگر مجلس تضعیف کند دولت و رئیس جمهور و آنهایی که اجرا می‌خواهند بکنند، این خودشان هم تضعیف می‌شوند و امروز صلاح نیست. چنانچه در یک وقتی هم یک همچو مطلبی واقع بشود، آن هم یک جرم است.

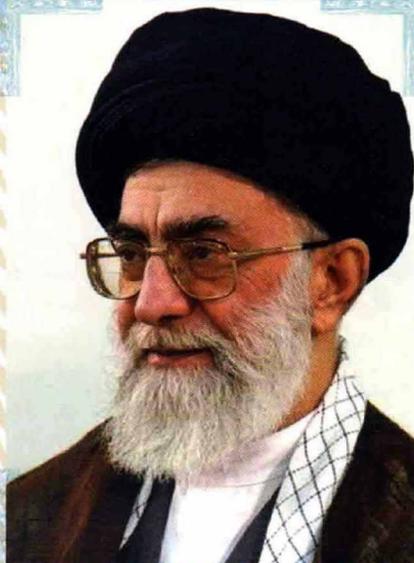
شما توجه داشته باشید که به اسلام خدمت کنید و به کشور خودتان خدمت کنید. شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می‌خواهند، و همه کشور خودشان را می‌خواهند. و شما باید برای این ملت خدمت بکنید، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید. اگر انحراف پیدا کنید پر خلاف ملت، خیانت کرده‌اید به وکالتی که دارید. و من امیدوارم که انشاءالله شما با کمال قدرت، با کمال عزت و عظمت، این نهضت را به پیش ببرید. و مجلس، یک مجلس اسلامی اخلاقی همه چیز تمام باشد، و شما معلم اخلاق جامعه باشید، و همه جامعه هم پشتیبان شما باشد. و همه‌تان یک هویت بین دولت و ملت و ارتش و مردم و همه یک هویت باشید، همه اعضای یک انسان باشید. همه در خدمت انسان کامل؛ که رسول اکرم است باشید، و همه به منزله اعضای او باشید برای خدمت؛ و اگر این طور شد، پیروزی نصیبمان هست. و اگر خدای نخواست، انحرافات پیدا شود و اغراض شخصیه پیش بیاید، و نمی‌دانم مسندها بحث بشود، و مقامها طرح بشود و امثال اینها، این اولاً انحطاط اخلاقی زیاد است، و انحطاط در پیشگاه خداست، و ثانیاً خوف این است که نتوانید این بار را به منزل برسانید. خداوند ان شاءالله همه شما را تأیید کند، و همه ما را و همه مسلمین را تأیید کند. و همه را از شر شیطان بزرگ و آنهایی که دنباله او هستند حفظ کند. و ما را از شر نفس اماره بالسوء حفظ کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

داشته باشند، و بدون اینکه اغراض خودشان را و مخالفت‌های شخصی که با اشخاص دارند در نظر داشته باشند، به آن چیزی که وکیل او، به آن چیزی که در آن چیز وکیل هستند، اندیشه کنند و مباحثه کنند و شور کنند. شوری که در محیطی واقع شد که اسلامی است و اخلاق اسلامی است منتهی به جنگ نمی‌شود، منتهی به آن مسائلی که در آن مجلسها و بعضی از آن مجلسها واقع می‌شده انصافاً شرم آور است نمی‌شود. باید همان طوری که تا حالا تحولات زیادی پیدا شده است در این ملت، شما که وکیل از جانب ملت هستید، و عصاره فضایل ملت هستید، باید در آنجا همان معنایی که مأمور او شدید از طرف ملت، همان معانی باشد. ملت یک ملت اسلامی است و اسلام را می‌خواهد و احکام اسلام را می‌خواهد. شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حساب‌هایی که خودتان با هم دارید صاف کنید.

من عرض می‌کنم که وقتی بنا شد که ما به تکلیفمان عمل بکنیم، و ما آن راهی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای ما گذاشته است آن راه را برویم، برای ما شکست هیچی نیست. برای اینکه از دو حال خارج نیست: یا این است که ما پیش می‌بریم که شکست هیچ نیست، و یا این است که نه، می‌آیند و ما را عقب می‌زنند، ما تکلیفمان را عمل کرده‌ایم، چه شکستی است؟ سید الشهداء هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این. گشته شد و زنده کرد بک عالمی را. امیر المؤمنین هم در جنگها، در جنگ صفین شکست خورد، لکن شکست نبود این. او به خدمت اسلام بود و برای خدا کار می‌کرد. کسی که برای خدا کار بکند، هیچ وقت شکست تویش نیست، بُرد همیشه با آنهاست.

مرکز همه قانونها و قدرتها مجلس است. مجلس هدایت می‌کند همه را و باید بکند، اما بنای بر این نباشد که مجلس دولت را ضعیف کند. و بنای بر این هم نباشد که دولت مجلس را ضعیف کند. تضعیف هر یک، تضعیف



بخشی از سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی

که مهم است برادران و خواهران نماینده به آن توجه کنند و من همیشه در همه‌ی دوره‌ها یا اغلب دوره‌ها که این توفیق را داشتم که با نمایندگان محترم گفتگو کنم، این را تذکر دادم، این است که بدانید شما مثل یک قله هستید؛ آنچه از دل این قله می‌چو شد، بر دامنه و پیکره سرازیر می‌شود. رفتار، آداب، خلیات، چگونگی تعامل در مجلس شورای اسلامی، مثل بقیه‌ی قله‌هایی که در کشور وجود دارد، بر روی رفتار، آداب، اخلاق و منش آحاد جامعه اثر می‌گذارد؛ این یک امر طبیعی است، یک امر همیشگی است. اگر در مجلس، عقل و فکر و طمأنینه و سکینه و آرامش و محبت حکمفرما باشد و از بلندگوهای مجلس این قضیه در

این فرصت - فرصت نمایندگی مردم - یک فرصت مغتنمی است. هر کسی در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی بتواند یک مأموریتی به دست بیاورد و آن مأموریت را بدرستی انجام دهد، واقعا باید خدا را شاکر باشد؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست. آنچه که برای نمایندگان محترم مجلس، برای مسئولان دولتی، برای مسئولان قضائی، برای نیروهای مسلح، برای روحانیون، برای آن کسانی که مجموعه‌ای از اینها را با هم دارند، مهم است، این است که با دید نافذ خودشان مواقع امتحان و مواضع امتحان را بشناسند؛ بدانند که این نقطه، نقطه‌ی امتحان است؛ غفلت نکنیم. آنچه



میکنند، ادله‌ی اجتهادی و ادله‌ی فقهاتی را می‌بیند، بعد ذهنش به جایی نمیرسد؛ میگوید خب، اینجا احتیاط کنید؛ میگوید من رأی ندارم، فتوا ندارم. رأی ممتنع مال اینجا است؛ اما اینکه ما مطالعه نکنیم، کار نکنیم، بعد برای اینکه خودمان را اسیر «آری» یا «نه» بی‌دلیل و غیر مستند نکرده باشیم، میگوئیم خیلی خوب، ما رأی ممتنع می‌دهیم؛ این نمیشود. پس یکی از کارهای بسیار مهم و لازم و اصلی در مجلس، همین کار بر روی لوایح است؛ چه لوایحی که دولت میفرستد، چه طرحهائی که خود شما در مجلس آنها را تنظیم میکنید. واقعا باید کار شود. هر کس اگر اهل اجتهاد در این فن است، به صورت اجتهادی؛ و اگر چنانچه خودش صاحب رأی نیست، با مشاوره گرفتن از این و آن، به یک نتیجه‌ی قطعی برسد؛ این یکی از کارهای بسیار اساسی است.

وقتی مردم در یک نظامی متحدند، یکپارچه‌اند، پشتیبان نظامند، با نظامند، این نظام مصونیت پیدا میکند، اقتدار پیدا میکند، قدرت پیدا میکند، برکنند آن از جا ناممکن میشود؛ مثل درختی است که در اعماق زمین ریشه دوانده؛ این را نمیشود برداشت. بعضی از نظامها هستند که پول هم دارند، امکانات هم دارند، به‌به و چه‌چه سیاستمداران استعمارگر دنیا را هم دارند، اما ریشه ندارند؛ خودشان هم میدانند که ریشه ندارند. نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد؛ این ریشه، مردمند. اجتماع مردم حول این نظام، مایه‌ی عزت و برکت کشور و برکت نظام و برکت خود آن مردم است. مردم کمک می‌کنند به این که نظام عزت پیدا کند؛ خود این، عزت مردم است؛ خود این، مصونیت و امنیت مردم است؛ خود این، امکانی است برای حل همه‌ی مشکلات مردم؛ این را باید دانست؛ این یک فرمول کلی است. امیدوارم ان‌شاءالله متعال برای این کشور، برای شما، برای آحاد مردم، خیر اراده فرموده باشد و برکات خودش را بر شما، بر ما، بر همه نازل کند و ان‌شاءالله فردای این کشور و این ملت از امروز او و از دیروز او بهتر باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

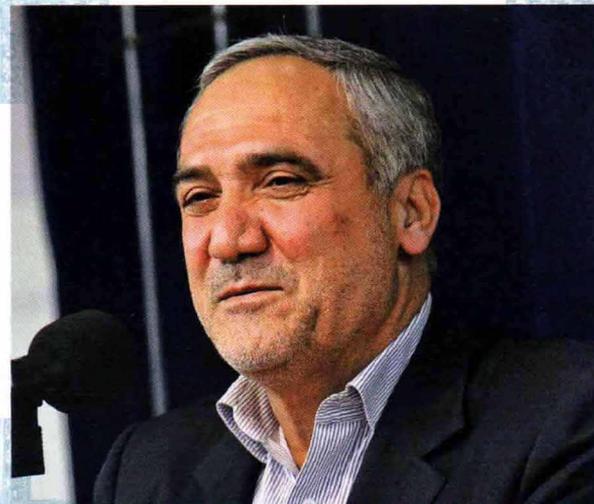
سطح جامعه منعکس شود، همین خصوصیات بتدریج در جامعه اثر میگذارد. اگر در مجلس تشنج باشد، بغض باشد، کم‌کاری باشد، این باز به نوبه‌ی خود در رفتار مردم منعکس میشود؛ این تأثیر، طبیعی است. این تأثیر، دفعی و برجسته و نمایان نیست، اما بمرور و بتدریج آثار خودش را نشان میدهد؛ این، مسئولیت مسئولان محترم را افزایش میدهد. لذا به نظر من، دوستان عزیز و نمایندگان محترم از این نقطه‌نظر هم بر روی منش و رفتار خودشان یک مراقبت کاملی داشته باشند.

کار کردن بر روی لوایح و طرحها، یک وظیفه‌ای است به عنوان ادای حق مردم - این که حالا یک امر قطعی و روشنی است - یعنی وقتی لایحه‌ای به مجلس می‌آید یا طرحی را شما در مجلس تهیه میکنید و میخواهید این را در یک بخشی از بخشهای کشور که میتواند جدول فعالیت کلان کشور را پر کند، به کار بیندازید، دقت شما، مراقبت شما، اهتمام شما، تحقیق شما، مطالعه‌ی شما، که به پخته شدن این طرح یا لایحه کمک میکنید، یک حقی است برای مردم بر دوش شما. لایحه‌ای به مجلس می‌آید - بنده خودم هم در مجلس بودم و این موارد را از نزدیک تجربه کردم - وقتی که لایحه به کمیسیون داده میشود و در معرض دید این نماینده قرار میگیرد، گاهی با این لایحه مثل یک کار مربوط به شخص خود رفتار میکند؛ دقت میکند، مطالعه میکند، تحقیق میکند، با کارشناس می‌نشیند مباحثه میکند، مطلب را در ذهن خود به صورت محقق ترسیم میکند؛ گاهی هم نه، لایحه می‌آید یا مثلا طرحی در مجلس میخواهد تصویب شود، این نماینده خیلی محتوای لایحه و طرح را نمیداند، خیلی احساس مسئولیت نمیکند، رسیدگی نمیکند؛ نه در کمیسیون، نه در صحن مجلس. این رأی «آری» یا «نه» او به یک چنین لایحه یا طرحی، خالی از شبهه نیست؛ رأی ممتنع او هم خالی از شبهه نیست. ما که نیامدیم اینجا بنشینیم رأی ممتنع بدهیم؛ ما آمده‌ایم بگوئیم این بشود، این نشود. رأی ممتنع مال آنجائی است که انسان زحمت خودش را کشید، کار خودش را کرد، بالاخره ذهنش به جایی نرسید؛ خب، اینجا البته انسان رأی ممتنع میدهد؛ مثل فقیه و مجتهدی که زحمت خودش را میکشد، به منابع مراجعه

مربوط می شود و به قانون نیاز دارد. قوانین غنی و قوی و پر مایه ای که بتواند پاسخگوی همه نیازها باشد و روزه های بی قانونی را ببندد. از این رو افتتاح مجلس شورای اسلامی با این هدف در هفتم خرداد ۱۳۵۹ صورت گرفت. وی افزود: گشایش مجلس یکی از مهم ترین دلایل احترام به قانون و اهمیت دادن به رأی و نظر مردم در نظام جمهوری اسلامی است و وجود مجالس قانون گذاری در هر کشور، حکایت از وجود آزادی در نظام حکومتی آن می کند. به همین منظور، هفتم خرداد ماه، سالروز افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به عنوان روز قانون نامیده شده است.

مقتدایی بیان کرد: به مناسبت سالروز تشکیل مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در کشور مراسم بزرگداشتی برای نمایندگان شهید و فقیه مردم خوزستان در مجلس برگزار می شود. کسانی که در روزهای سخت آغازین جمهوری اسلامی در سنگر قانون گذاری و نمایندگی مردم از چیزی فرو نگذاشتند ولی گذشت سالها باعث شد یاد آنها در میان مردم و جوانان به فراموشی سپرده شود ولی امید است با برگزاری این مراسم فرصتی به جوانان داده شود تا نمایندگان پیشین خود را بشناسند.

عالیترین مقام دولت در خوزستان بیان کرد: نمایندگان مجلس عموماً برآمده از متن مردم اند و مردم بی واسطه با آنان در ارتباطند لذا مجلس مردمی ترین بخش حاکمیت است. تعداد قابل توجهی از نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی را مبارزان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل می دهند که در راه برپایی نظام اسلامی شکنجه ها دیده و به زندان افتاده و یا تبعید شده اند. وی خاطر نشان کرد: در فاجعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ بسیاری از شهدا نمایندگان دور اول مجلس شورای اسلامی بودند. در طول ۳۵ سال گذشته خصوصاً در دوران دفاع مقدس نمایندگان زیادی در راه خدمت به مردم جان خود را از دست داده اند ولی متأسفانه تاکنون نکوداشتی از این عزیزان بعمل نیامده است. به همین منظور بر خود لازم دیدیم که برای بزرگداشت این قشر از خدمتگزاران مردم که اکنون در میان ما نیستند در حد توان خود کاری کنیم تا نسل جوان ما با خدمات آن عزیزان آشنا شوند زیرا ایشان بخشی از تاریخ سیاسی این کشور هستند. امید است این اقدام مقدمه ای برای جلساتی از این نوع در سراسر کشور باشد.



استاندار خوزستان:

بزرگداشت خالص ترین افراد انقلاب در خوزستان

استاندار خوزستان گفت: نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مقاطع زمانی خاص مانند اوائل انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس از جمله خالص ترین افراد انقلاب به شمار می روند.

عبدالحسن مقتدایی در پیامی ضمن گرامیداشت هفتم خردادماه، سالروز تاسیس مجلس شورای اسلامی در کشور اظهار کرد: مجلس شورای اسلامی در نگاه مردم ایران، محلی است جهت تهیه و تصویب قوانین اسلامی برای کلیه نیازهای جامعه در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تبلیغی، نظامی، اخلاقی، قضایی و هر چیزی که به زندگی فردی و عمومی

تمام ظرفیتهای خود و مردم منطقه خود در جهت تحقق سیاستهای نظام استفاده کنند، برگزار می شود.

وی با اشاره به ضرورت تجلیل از شخصیتهای خدمتگزار بیان کرد: بسیاری از آنان در اوایل انقلاب، در دوران دفاع مقدس و بعد از پایان جنگ و نیز در دوران بازسازی مشغول خدمتگزاری بودند که موجبات پیشرفت و توسعه استان را فراهم کنند. طبیعی است که باید از آنها تجلیل کرد به خصوص که تعدادی از آنان شهید شدند.

خبیر با بیان اینکه این افراد شخصیتهای بارزی بودند که از لحاظ فکری و کلامی بین مردم نفوذ داشتند، اضافه کرد: این شخصیتهای در تمام مراحل انقلاب، دفاع مقدس و بازسازی به نحو مطلوبی حضور داشتند. ممکن است بر اثر گذشت زمان غبار فراموشی بر چهره این اشخاص قرار گرفته باشد و مسئولان و مردم یادشان رفته باشد که چه خدمتگزارانی در این خطه بودند از این رو این مراسم به منظور پاک کردن غبار فراموشی از چهره این شخصیتهای و معرفی آنان به مردم برگزار می شود.

وی ادامه داد: این افراد دوستان و همکارانی دارند و با اقشار مختلف مردم در تماس بودند. این حرکت می تواند بر افکار بازماندگان آنان تاثیر گذارد. همچنین می تواند اثرات فرهنگی خوبی را به همراه داشته باشد و بر دیگر نمایندگان فعلی تاثیر گذارد. از دیگر اهداف مراسم این است که نمایندگان فعلی بدانند چه همکارانی در گذشته داشتند تا به نحوی خدمت کنند که در یادها و خاطرات باقی بمانند. ارزش خدمت گذاری به مردم می تواند این باشد که تاثیرگذار باشیم و به نحوی رفتار کنیم که در یاد مردم باقی بمانیم. آنهایی که منتخب مردم بودند توانستند اقدامات مفیدی برای حل مشکلات مملکت خود انجام دهند.

خبیر در خصوص مراحل اجرایی این مراسم اظهار کرد: در مرحله نخست تعداد ۱۲ نفر از نمایندگان استان شناسایی و انتخاب شدند که تعدادی از آنان شهید و مابقی فقید بودند. سپس با انجام مطالعات میدانی و جمع آوری اسناد و مدارک، اطلاعاتی از آنان فراهم شد. علاوه بر برگزاری مراسم نکوداشت نمایشگاه های جنبی از آثار نوشتاری، تصویری و فیلم نیز برگزار می شود. این مراسم در سطح ملی برگزار می شود و امیدواریم نمایندگان ادوار مختلف مجلس در آن حضور یابند.



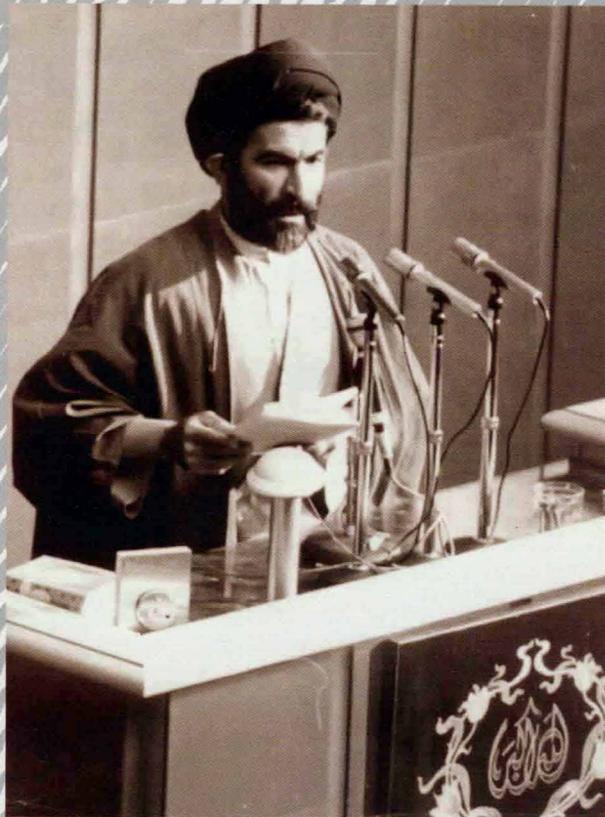
معاون سیاسی و اجتماعی استانداری خوزستان:

تجلیل از خدمتگزارانی که در یادها می ماند

معاون سیاسی و اجتماعی استانداری خوزستان اظهار کرد: به دستور استاندار خوزستان، ستادی برای برگزاری مراسم نکوداشت نمایندگان شهید و فقید استان تشکیل شد که معاونت سیاسی و اجتماعی استانداری، دبیری آن را بر عهده گرفت و بنیاد شهید و امور ایثارگران، دستگاه های فرهنگی استان و آموزش و پرورش از جمله اعضای آن بودند.

«فرج... خبیر» اضافه کرد: این مراسم با هدف تجلیل از خدمتگزارانی که در طول سالیان متمادی تلاش کردند در خدمت توسعه و استقلال کشور باشند و از

شهید سید ابوالقاسم دامغانی
نام پدر : سید محمد
تاریخ تولد : ۱۳۲۳
محل تولد : روستای حسن آباد
از توابع دامغان
سن هنگام شهادت : ۴۱
تحصیلات : علوم حوزوی
تخصص : تدریس قرآن



شهید
سید ابوالقاسم دامغانی

زندگینامه

سیدابوالقاسم داوادموسوی، معروف به موسوی دامغانی، فرزند سیدمحمد است و در سال ۱۳۲۳ ه.ش در روستای حسن آباد از توابع دامغان در خانواده مذهبی و شیفته اهل بیت (علیهم السلام) متولد شد.

تبار پاک

جد سیدابوالقاسم، مرحوم کرلایی سیدحاجی بود که ابتدا در خور و بیابانک زندگی می کرد، اما بر اثر ظلم و ستم خوانین، از آنجا کوچ کرد و پس از طی حدود ۳۰۰ کیلومتر راه کویر، به حسن آباد رسید و در آنجا مقیم شد. او از استادان قرآن در منطقه بود و سالیان متمادی به تعلیم کتاب الهی و برگزاری جلسات قرائت قرآن اشتغال داشت.

سیدمحمد، پدر سیدابوالقاسم پس از چهل سال اشتغال به کشاورزی در روستای حسن آباد، به شهر مقدس قم مهاجرت نمود و به پیروی از پدر بزرگوارش مرحوم سیدحاجی، در این شهر به تعلیم قرآن مشغول شد.

سیدمحمد، با اینکه در این اواخر از یک چشم نابینا شد، بیش از ۸۵ سال از عمر شریفش می گذشت، باز هم سعی می کرد اوقات زندگیش را با تعلیم قرآن به جوانان و نوجوانان روشنی بخشد.

از وی سه فرزند پسر به نام های سید جعفر، شهید ابوالقاسم و سید ابوالفضل به یادگار مانده است.

ورود به حوزه علمیه

سید از کودکی طبعی بلند و همتی والا و علاقه ای شدید به فراگیری علوم اسلامی داشت، بدین جهت، پس از گذراندن دوره ابتدایی در حسن آباد، در سال ۱۳۳۷ ه.ش و در حالی که بیش از ۱۴ سال نداشت، به دامغان آمد و در یکی از مدارس علمیه آن شهر، مشغول تحصیل شد.

عزیمت به قم

سیدابوالقاسم در سال ۱۳۴۱ ه.ش برای ادامه تحصیل عازم قم شد، و در مدرسه حجتیه، ساکن گردید. در همین سال لباس مقدس روحانیت به تن کرد و سفرهای تبلیغی اش را آغاز نمود.

او سعی داشت به مناطقی سفر کند که کمتر کسی به آنجا می رفت. لذا با دو چرخه به روستاهایی می رفت که حتی از جاده نیز محروم بودند.

وی از ابتدای ورود به شهر مقدس قم، شیفته امام خمینی (ره) گشت تا آنجا

که مرتب به بیت ایشان رفت و آمد می کرد و اکثر شب ها در نماز جماعت آن حضرت حاضر می شد.

مبارزات

سیدابوالقاسم از همان ابتدای ورود به قم، در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ و شروع نهضت پیروزمند امام خمینی (ره) قرار گرفت. خود در این باره چنین می گوید:

«امام به مناسبت وفات حضرت فاطمه (سلام...) (علیها) مجلس سوگواری تشکیل داده، در منزل خویش مجلس عزاداری برپا می داشت. روزی سخن از قرارداد ننگین کاپیتولاسیون به میان آمد و امام در جمع مردم از قم و برخی شهرهای دیگر، سخنان مهمی بر علیه نظام و سیاست های غربی حکومت ایراد کردند، هفت روز بعد در قم حکومت نظامی اعلام شد، و امام را به تهران بردند، من از آن تاریخ فعالیت های سیاسی خود را در کنار تحصیل و درس آغاز کردم.»

پس از تبعید امام (ره) مرحوم شهید داوادموسوی همراه افرادی چون شهید محمد منتظری شب ها در حرم حضرت معصومه (سلام...) (علیها) در مسجد بالاسر برای سلامتی و رهایی حضرت امام خمینی (ره) دعای توسل می خواندند.

در زمان طاغوت با تهیه دستگاه تایپ و استنسیل، اعلامیه های امام را که از نجف به ایران می آمد، تکثیر می کرد و با ماشین فولکس خود مخفیانه در شهرهای مختلف پخش می نمود. او در شهرها و روستاهای زیادی با سخنرانی های گرم و افشاگرانه مردم را بیدار و با اهداف امام خمینی (ره) آشنا می ساخت. در این راه بارها دستگیر و به زندان افتاد و مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفت. از جمله یک بار به همراه شهید محمد منتظری و آیت الله حاج شیخ احمد جنتی در زندان قزل قلعه در بند شد. اما هرگز در راهی که انتخاب کرده بود، سستی به خود راه نداد.

وی در آن دوران برای تهیه تسلیحات برای مبارزه مسلحانه نیز اقدام کرد و چند قبضه، سلاح گرم تهیه نمود و در شهر قائم در منزل پدرش مخفی ساخت و گاهی به برادرانش اظهار می داشت که چه موقع خواهد رسید که از این اسلحه ها بر ضد حاکمان جور استفاده کنیم؟!

در سال ۵۶ و ۵۷ ه.ش و ایام او جگیری انقلاب یکی از پیشتازان مبارزه و

شرکت در راهپیمایی‌های قم بود، و اگر کسی مجروح می‌شد، او با ماشین آن‌ها را از صحنه درگیری خارج و به مراکز درمانی می‌رساند، و لذا بارها با لباس خونین به منزل خویش می‌رفت.

در یکی از راهپیمایی‌ها که طلاب و علما و دیگر اقشار مردم به سوی منزل آیت الله حسین نوری همدانی در حرکت بودند، مقابل مزار شیخان که رسیدند، مزدوران رژیم، به سوی مردم تیراندازی کردند، و عده‌ای شهید و مجروح شدند. در آن گیر و دار که هر کسی برای نجات جان خود می‌کوشید، شهید موسوی، مجروحین را جمع‌آوری و به بیمارستان کامکار می‌رسانید و در راه نجات آن‌ها تلاش می‌کرد.

محمدی یکی از اعضاء ساواک قم، در مقابل بیمارستان کامکار از شهید موسوی می‌پرسد: دیشب در مسجد بالاسر حضرت معصومه (سلام...) علیها چه کسی اعلامیه پخش می‌کرد؟ اگر به این سؤال جواب بدهی به تو می‌گویم امروز چند نفر شهید شده‌اند.

سیدابوالقاسم موسوی جواب می‌دهد: دیشب من اعلامیه پخش می‌کردم. او نیز می‌گوید: امروز ۷ نفر شهید شدند.

مبارزات و راهپیمایی‌ها هر روز و هر شب ادامه داشت تا اینکه پایه‌های رژیم ستم‌شاهی پهلوی، یکی پس از دیگری فرو ریخت و نهضت امام (ره) به پیروزی نزدیک گردید. امام خمینی (ره) اعلام کرد به ایران می‌آید، شهید موسوی نیز یکی از اعضاء هیئت استقبال از امام بود. روز ۱۲ بهمن ۵۷ امام وارد ایران شد و تا ۲۲ بهمن که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به پیروزی رسید، در مدرسه علوی مستقر بود. شهید موسوی نیز در آنجا در خدمت امام و انقلاب به فعالیت مشغول بود.

پس از پیروزی انقلاب

با پشت سرگذاشتن دوران ظلمت و تاریکی و طلوع پیروزی، یاران امام که همه رنج‌ها و ستم‌های ظالمان را با تمام وجود لمس کرده بودند، برای حفظ دستاوردهای انقلاب، باز هم با پذیرش مسئولیت‌های سنگین دین خویش را به اسلام و انقلاب ادا کردند.

شهید موسوی نیز در مسئولیت‌های گوناگون، به ادامه خدمت پرداخت که اهم آن‌ها از این قرار است:

۱. کنترل پادگان لویزان (ستاد نیروی زمینی)

۲. فعالیت و راه‌اندازی کمیته انقلاب اسلامی دامغان در سال ۱۳۵۸ ه.ش.

۳. تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دامغان، همراه با دیگر یاران.

۴. تشکیل دادگاه انقلاب دامغان.

۵. حاکم شرع دادسرای انقلاب اسلامی و محاکمه بعضی از مفسدین و اشرار.

۶. خدمت در جهاد سازندگی دامغان.

۷. نماینده امام (ره) در هیأت هفت نفره احیاء و آگذاری زمین استان سمنان.

۸. نماینده امام (ره) و امام جمعه رامهرمز از سال ۶۰ تا ۱۳۶۳ ه.ش.

۹. نماینده مردم رامهرمز در مجلس شورای اسلامی، در دوره دوم مجلس.

ویژگی‌های اخلاقی

شهید سیدابوالقاسم داوودالموسوی، روحانی مبارز، زجر کشیده، دلسوخته انقلاب و محرومین، تلاشگر خستگی ناپذیر، عاشق امام (ره) و ولایت بود. از نظر اخلاقی نیز، ویژگی‌های داشت که در این مختصر نمی‌گنجد، به عنوان نمونه بعضی از صفات برجسته‌اش را متذکر می‌شویم.

مهربانی و کمک به محرومین

آقای فراتی می‌گوید: یکی از خصوصیات بارز شهید داوودالموسوی این بود که با مردم گرم و صمیمی برخورد می‌کرد. یک بار، روبروی مدرسه خان با من دست داد و همین طور با هم صحبت می‌کردیم و می‌رفتیم. تا مدرسه فیضیه دست مرا رها نکرد، هنوز گرمی محبت آمیز دستش را در دستم احساس می‌کنم.

کسی را نمی‌یابی که با او آشنا باشد و محبتش را در دل نداشته باشد. بدین سبب کمک به دیگران به ویژه محرومین، را از وظایف خود می‌دانست و بخش مهمی از زندگی او را تشکیل می‌داد.

در ایامی که امام جمعه رامهرمز بود، از تهران و علمای قم کمک مالی می‌گرفت و برای خانواده‌های محروم لباس و مواد غذایی تهیه می‌کرد و به منازل آن‌ها می‌برد.

سید محمدسجادی، یکی از طلاب دامغانی که بنا به دعوت آن شهید مدتی در حوزه علمیه آیت الله بهبهانی رامهرمز تدریس می‌کرد، می‌گوید: هیچ کس حق نداشت مانع ورود مراجعه کنندگان شود و آنقدر مراجعین را به حضور می‌پذیرفت که ضعف بر ایشان غالب می‌شد و مردم رسیدگی به مسایل خود را به وقت دیگری می‌گذاشتند.

بخشی از وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم
 امید است که اگر خداوند لایق دید و شایسته ورود به بارگاه ربوبی یافت و به محفل عباد صالح و شهداء و صدیقین اجازه ورود فرمود این وصیت به عنوان آخرین کلماتی که از زبان دل بر می خیزد، برای فرزندانم و همسر و والدین گرام و اخوان ارجمند و همشیره مهربانم و وابستگان محترم و دوستان عزیز و همشهریان و همکاران و موکلین محترم و مردم شهید پرور و رشید کشور و همه خدمتگزاران فداکار به یادگار بماند.

با اعتقاد به یگانگی خدای لایزال و قادر متعال، علیم و حکیم و مدبر امور و فعال ما یشاء، و رسالت انبیاء عظام الهی، بالاخص خاتم انبیاء پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامت دوازده امام معصوم (علیهم السلام) و ولایت فقیه و اعتقاد به حقانیت و مرگ و سؤال در قبر و حساب و کتاب و میزان و صراط و بهشت و جهنم و امید به رحمت و غفران الهی وصیت خودم را آغاز می کنم: پدر بزرگوارم شما زحمت فراوان کشیدید و هنوز هم فراوان تحمل می کنید. من از محبت و زحمات شما نتوانستم حق شناسی کنم و حق شما را نتوانستم رعایت نمایم و همچنین حقوق مادر سخت مهربانم. اولاً حلالم کنید و ثانیاً اگر خدا مرا لایق شهادت دید در عزایم جدا صبر کنید که خدا با صابران است ...

امید است شما بتوانید قصور مرا جبران کنید و با الهام گرفتن از آیات کتاب خدا و رهنمودهای اولیاء خدا و مراقبت از خویش و پرهیز از هوای نفس و تهنید اخلاق و تزکیه نفس، محبوب خدا و رهرو راه انبیاء و ائمه طاهرین بشوید. و مایه عزت اسلام و فخر امام زمان روشنی چشم ما باشید ...

محل دفن

بدن پاک و مطهر شهید سیدابوالقاسم موسوی دامغانی در ایوان شرقی پائین مسجد طباطبائی ورودی مسجد بالاسر حضرت معصومه (سلام ... علیها) در کنار تربت شهید حاج شیخ فضل الله محلاتی به خاک سپرده شده است و در ذیل سنگ قبر شهید محلاتی، این جملات را می خوانیم:

«... حجت الاسلام سیدابوالقاسم موسوی دامغانی که در روز اول اسفند ۱۳۶۴ در فاجعه هوایی به دست مزدوران بعثی به شهادت رسید».
 روهش شاد و راهش مستدام باد

در اوایل جنگ تحمیلی عراق، حدود پنجاه هزار آواره جنگی در رامهرمز اسکان داده بودند، که ۲۵۰۰۰ نفر داخل شهر و ۲۵۰۰۰ نفر در چادرهای بیرون شهر ساکن بودند. شهید داوالموسوی تمام کارهای آنها را رسیدگی می کرد. حتی دعوای خانوادگی آنها را حل و فصل می نمود.

در سنگر مجلس شورای اسلامی نیز در طرح ها و لوایح با جدیت مدافع پابرهنگان بود.

تبلیغ و ارشاد

برای نصیحت و موعظه و تبلیغ اسلام ارزش خاصی قائل بود. سخنرانی ها و خطابه هایش قبل از انقلاب شیوا و جذاب افشاگر جنایات ظالمین و بیانگر حق و حقیقت بود. بارها از طرف مأمورین رژیم به اداره آگاهی برده شد و از او خواستند که تعهد بسپارد تا در منبر هایش بحث سیاسی نکند، اما او نپذیرفت، و آنچه را وظیفه می دانست، بیان می کرد مدتی از منبر و سخنرانی ممنوع شد؛ لیکن در بین مردم و پائین منبر حقایق را بیان می کرد.

او شیفته هدایت جوانان بود، در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ه.ش در تهران (شمیران) به همراهی شهید سیدحسن شاهچراغی و جمعی از دوستان روحانی برای جوانان و نوجوانان برنامه های تابستانی داشتند.

صدها جوان و نوجوان را در مساجد، جمع می کردند و کلاس های اعتقادی و سیاسی برپا می نمودند، گاهی، عوامل رژیم، با آن برخورد می کردند و کلاس ها را تعطیل می نمودند.

وی مدت ده سال همه هفته پنج شبه و جمعه از قم به تهران می آمد و جلسات مختلفی را اداره می کرد. و این را برای خود وظیفه می دانست.

حفظ بیت المال و بی اعتنائی به دنیا

یکی دیگر از ویژگی های شهید داوالموسوی، بی توجهی به دنیا و زخارف آن بود. پشت پا زدن به خواسته های نفسانی یکی از نمونه های آشکار آن است. در تمام طول زندگی در منزلی که زمین آن هم وقف بود، به سر می برد. وقتی هم که پیشنهاد تعویض آن را به او دادند، نپذیرفت.

برادرش آقا سیدجعفر می گوید: ایامی که امام جمعه رامهرمز بود، اموال زیادی از بیت المال در اختیارش بود، گاهی می دید که کیسه های مملو از پول در خانه دارد. با این حال به من می گفت: مقداری پول داری به من قرض بدهی...؟! او مصمم بود که از اموال بیت المال در مصارف شخصی هیچ استفاده نکند.



جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

استاندارداری خوزستان

دفتر نماینده ولی فقیه در استان خوزستان

مجمع نمایندگان استان خوزستان

designer: S. Farzad Mousavi